

مقایسه رابطه افسردگی مادران و هوش هیجانی دختران نوجوان شنوای ناشنوا

شهر اصفهان

فریبا یزدخواستی^۱، احمد یارمحمدیان^۲

چکیده

زمینه و هدف: هدف از این پژوهش، مقایسه رابطه نمرات افسردگی مادران و هوش هیجانی دختران نوجوان شنوای ناشنوا در شهر اصفهان بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش توصیفی- تحلیلی و از نوع مقطعی انجام شد. ۳۰ دانش آموز دختر و مادرانشان از مدرسه شناور ایان و ۳۰ دانش آموز دختر و مادرانشان از مدرسه ناشنواریان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوش‌های از مقطع سوم راهنمایی تاچیه ۳ آموزش و پرورش با رعایت سطح تحصیلات دیپلم و وضعیت اقتصادی در حد متوسط برای والدین انتخاب شدند. اطلاعات به کمک پرسشنامه افسردگی Beck برای مادران و پرسشنامه هوش هیجانی برای دانش آموزان جمع آوری گردید و آن‌گاه داده‌ها با آزمون‌های α و ضربی همبستگی Pearson مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: آزمون میانگین دو گروه مستقل نشان داد که جز عامل خوش‌بینی، بین بقیه عوامل هوش هیجانی در دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین میانگین نمرات افسردگی مادران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در آخر نیز نتایج همبستگی Pearson نشان داد که میانگین نمرات افسردگی مادران دو گروه با میانگین نمرات هوش هیجانی فرزندانشان رابطه معکوس دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج می‌تواند حاکی از آن باشد که ناشنواری فرزند با میانگین نمرات افسردگی مادر مرتبط بوده، از طرف دیگر میانگین نمرات افسردگی مادر با هوش هیجانی فرزند رابطه دارد. میانگین نمرات افسردگی بیشتر مادر به دلیل برقراری رابطه عاطفی منفی با هوش هیجانی پایین و میانگین نمرات افسردگی پایین به دلیل برقراری رابطه عاطفی مناسب با هوش هیجانی بالای نوجوان شنوای رابطه دارد.

واژه‌های کلیدی: افسردگی مادران، هوش هیجانی، نوجوان، جنس، ناشنوا.

نوع مقاله: کوتاه

دریافت مقاله: ۸۸/۳/۲۴

پذیرش مقاله: ۸۸/۹/۲۳

دیگر اعضای خانواده و در نهایت بر کل خانواده مؤثر خواهد بود (۱).

مواجه شدن والدین به خصوص مادر با یک پدیده غیرمنتظره یعنی داشتن فرزند معلول، احساساتی همچون غم و

مقدمه
امروزه خانواده به عنوان نظامی تعاملی و وابسته به هم مطرح می‌شود که فرد فرد اعضای آن ارتباط متقابل با یکدیگر دارند؛ به گونه‌ای که هر عاملی بر یک عضو از خانواده اثر گذارد بر

E-mail: faribayazdkhasti@yahoo.com

۱- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

افسردگی مادران با میانگین نمرات هوش هیجانی فرزندانشان را در دو گروه بررسی کرده است.

مواد و روش‌ها

این مطالعه مقطع سوم راهنمایی در سال تحصیلی ۱۳۸۵ و مادران آنان می‌باشد که از بین آنان، ۶۰ نفر از دانشآموزان و مادران آنان (۳۰ نفر دانشآموز ناشناوا و ۳۰ نفر دانشآموزان شناوا) به شیوه خوش‌های (تصادفی ساده) از میان دو مدرسه در ناحیه ۳ شهر اصفهان انتخاب شدند. این دانشآموزان از خانواده‌های با تحصیلات دیپلم و وضعیت اقتصادی در حد متوسط بودند. در این پژوهش از دو پرسشنامه افسردگی Beck برای مادران و پرسشنامه هوش هیجانی برای دانشآموزان استفاده شد.

۱- پرسشنامه Beck، پرسشنامه جامعی برای تشخیص افسردگی است. این پرسشنامه از ۲۱ ماده تشکیل شده است که پاسخ‌ها بر اساس مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت بر اساس گزارش مادران در هر مقوله درجه‌بندی و نمره‌گذاری آن از صفر تا سه تعیین شده است. صفر به معنای سلامت روانی در جنبه مورد نظر و سه به معنای عمیق بودن احساس اختلال می‌باشد. این پرسشنامه توسط Beck در سال ۱۹۶۱ ساخته شد (۶، ۷).

در ایران، بزدان‌دوست (به نقل از یعقوبی و همکاران) این پرسشنامه را هنجاریابی و پایایی آن را ۰/۴۹ گزارش کرد (۸). در این پرسشنامه نمرات ۰ تا ۴ نشان دهنده عدم افسردگی، ۵ تا ۹ نشانگر افسردگی خفیف، ۱۰ تا ۱۸ نشان دهنده افسردگی متوسط و ۱۹ به بالا نشان دهنده افسردگی بالا می‌باشد (۹).

۲- پرسشنامه هوش هیجانی حاوی ۳۰ سؤال است که پاسخ‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بر اساس گزارش نوجوانان در هر مقوله درجه‌بندی و نمره‌گذاری آن از صفر تا چهار تعیین شده است. صفر به معنای کاملاً مخالف و چهار به معنای کاملاً موافق می‌باشد. این پرسشنامه از چهار عامل

غصه، خشم، درمانگی، تقصیر، گناه، شرم و حقارت را به وجود می‌آورد و به تدریج مادر، افسرده و گوشه‌گیر می‌گردد و مجموعه‌ای از رفتارهای متفاوت مانند رفتار پرخاشگرانه، رفتار گوشه‌گیرانه، رفتارهای طردآمیز و رفتار اجتماعی گریز از خود نشان می‌دهد (۲). واکنش‌های هیجانی والدین کودکان معلول به نبود سلامتی، که انتظارش را داشتند یا به نبود فرصت‌ها و خواسته‌هایی که فرزندشان نمی‌تواند به آن‌ها دست یابد، ارتباط دارد. بدین ترتیب آنان حالاتی را تجربه می‌کنند که ممکن است برای سایر والدین کمتر و سطحی تر تکرار شود (۳). به همین دلیل در این پژوهش از یک طرف افسردگی مادران نوجوانان شناوا و ناشناوا و از طرف دیگر رابطه افسردگی مادران با هوش هیجانی فرزندانشان بررسی گردید. هوش هیجانی یعنی توانایی‌هایی که فرد بتواند انگیزه خود را حفظ نماید، در مقابل ناماکلیمات پایداری و تکانش‌های خود را کنترل کند، کامیابی را به تعویق اندازد، حالات روحی را تنظیم کند و نگذارد پریشانی خاطر، قدرت تفکر او را خدشه‌دار سازد، با دیگران همدلی کند و امیدوار باشد (۴). از عواملی که بر رشد هیجانی تأثیر مخرب می‌گذارند می‌توان به موارد پایین بودن سطح آگاهی عاطفی والدین، عدم توجه والدین به احساسات و هیجانات فرزندانشان، نگرش‌های تعصب‌آمیز و انعطاف ناپذیر خانواده و جامعه نسبت به بروز نحوه بیان هیجانات در کودکان و بزرگسالان، وجود خانواده‌های تک والدی، بی‌سرپرستی و به طور کلی محرومیت‌های عاطفی اشاره کرد (۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عاملی که در رشد یا تحریف هوش هیجانی نقش مهمی دارد، خانواده است؛ چرا که تاکنون در مورد هوش هیجانی گروه‌های اقلیت مثل جامعه ناشنواستان و رابطه ویژگی‌های روانی بالاخص افسردگی مادران ناشناوا با هوش هیجانی این جامعه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. این تحقیق در مرحله اول، میانگین نمرات هوش هیجانی گروه ناشناوا و همچنین مؤلفه‌های آن را با گروه شناوا مقایسه کرده و در مرحله دوم، به مقایسه میانگین نمرات افسردگی مادران دو گروه پرداخته است و در آخر رابطه میانگین نمرات

جدول ۱. مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن بین دو گروه مورد مطالعه

متغیر	دو گروه	انحراف معیار و میانگین	t	سطح معنی‌داری
هوش هیجانی	شنوا	$82/63 \pm 8/89$	۴/۱۲	۰/۰۰۱
	ناشنوا	$72/63 \pm 9/88$		
خوش بینی	شنوا	$18/53 \pm 2/67$	۱/۹۲	۰/۰۵۶
	ناشنوا	$16/96 \pm 3/56$		
درک عواطف	شنوا	$24/8 \pm 3/94$	۲/۳۸	۰/۰۲
	ناشنوا	$22/36 \pm 3/96$		
کنترل عواطف	شنوا	$20/73 \pm 2/36$	۶/۱۷۵	۰/۰۰۱
	ناشنوا	$14/46 \pm 2/95$		
مهارت‌های اجتماعی	شنوا	$18/9 \pm 2/33$	۲/۶۱۱	۰/۰۱۱
	ناشنوا	$16/63 \pm 3/64$		

هیجانی گروه اول (شنوا) از میانگین گروه دوم (ناشنوا) بیشتر می‌باشد. همچنین نتایج مقایسه میانگین مؤلفه‌های وابسته به هوش هیجانی در دو گروه نشان می‌دهد که در مؤلفه درک عواطف، کنترل عواطف و مهارت‌های اجتماعی در سطح تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود داشته است ($P < 0.05$). اما این تفاوت در مؤلفه خوش بینی معنی‌دار نبوده است ($P > 0.05$).

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین نمرات افسردگی مادران بوده است ($P > 0.05$). از آن جا که تفاوت بین فواصل اطمینان منفی بود پس میانگین نمرات افسردگی گروه دوم (ناشنوا) از گروه اول بیشتر می‌باشد.

نتایج همبستگی Pearson بین نمرات افسردگی مادران و نمرات هوش هیجانی گروه ناشنوا (جدول ۳) نشان داد که رابطه معکوس بین نمرات افسردگی مادران و نمرات هوش هیجانی نوجوانان ناشنوا وجود دارد، یعنی با افزایش نمرات

خوش بینی، درک عواطف خود و دیگران، ارزیابی عواطف و مهارت‌های اجتماعی تشکیل شده است. این پرسشنامه توسط Farenham و Petridze ساخته شد و مارانی در تحقیق خود پایایی این پرسشنامه را در ایران گزارش نمود (۱۰).

آزمون t برای دو گروه مستقل بین میانگین نمرات هوش هیجانی دو گروه شنوا و ناشنوا و نیز بین میانگین نمرات افسردگی مادران دو گروه و همبستگی Pearson برای تعیین رابطه نمرات افسردگی مادران با نمرات هوش هیجانی دانشآموزان در هر دو گروه انجام شد.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های جدول ۱ در نتیجه مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی بین دو گروه شنوا و ناشنوا تفاوت میانگین نمرات دو گروه معنی‌دار بود ($P > 0.05$) و چون تفاوت بین فواصل اطمینان مثبت بود، بنابراین میانگین نمرات هوش

جدول ۲. آزمون دو گروه مستقل شنوا و ناشنوا مربوط به میانگین نمرات افسردگی مادران

متغیر	دو گروه	انحراف معیار و میانگین	t	سطح معنی‌داری
افسردگی مادران	شنوا	$8/46 \pm 4/78$	۲/۱۸۵	۰/۰۳
	ناشنوا	$11/7 \pm 6/54$		

جدول ۳. همبستگی بین میانگین نمرات افسردگی مادران و میانگین نمرات هوش هیجانی دو گروه ناشنوا و شنوا

متغیر	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	تعداد
افسردگی مادران گروه ناشنوا		-0.401	۳۰
هوش هیجانی گروه ناشنوا		-0.486	۳۰
افسردگی مادران گروه شنوا		-0.486	۳۰
هوش هیجانی گروه شنوا		-0.401	۳۰

عاطفی و پذیرش معلولیت فرزند دچار احساساتی از قبیل غم، غصه، احساس تقصیر و قصور یا درماندگی شده، به ترتیج افسرده و گوشه‌گیر می‌شوند (۲). این نتایج بیانگر این مطلب است که غمگینی و افسردگی، حالت به نسبت منفی از مفهوم خود است و در نتیجه والدین احساس می‌کنند کوشش آنان راه چندانی به پیشرفت ندارد و به آن چه رخ می‌دهد کمتر سلطنت دارند؛ چرا که خود را ناتوان در برخورد با مسایل فرزند خود حس می‌کنند.

نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که میانگین نمرات هوش هیجانی دانشآموزان ناشنوا از دانشآموزان شنوا پایین‌تر است. با توجه به این مطلب که رابطه مادر و فرزند دو سویه است، نتایج این تحقیق می‌تواند حاکی از آن باشد که ناشنوای فرزند با نمره افسردگی مادر مرتبط بوده است. از طرف دیگر، نمره افسردگی مادر با نمره هوش هیجانی فرزند رابطه دارد؛ چون هوش هیجانی در واقع توانایی برقرار کردن رابطه عاطفی صحیح می‌باشد، نمره افسردگی بالای مادر به دلیل برقراری رابطه عاطفی منفی با نمره هوش هیجانی پایین نوجوان ناشنوا و نمره افسردگی پایین به دلیل برقراری رابطه عاطفی مناسب با نمره هوش هیجانی بالای نوجوان شنوا رابطه دارد. نتایج آماری به دست آمده از مقایسه مؤلفه‌های زیر مجموعه هوش هیجانی بین دو گروه همچنین نشانگر اثبات اختلاف ۳ مؤلفه کنترل عواطف، درک عواطف و مهارت‌های اجتماعی از ۴ مؤلفه هوش هیجانی بین دو گروه می‌باشد. در مؤلفه خوشبینی اختلاف معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نشده است. می‌توان علت این عدم تفاوت را در این مسئله جستجو کرد که همان طور که پاکزاد اظهار داشت افراد ناشنوا به طور کلی انسان‌هایی برترند از آن جهت که خمیری

افسردگی مادران، نمرات هوش هیجانی نوجوانان ناشنوا کاهش می‌یابد ($P < 0.05$).

همچنین نتایج همبستگی Pearson بین نمرات افسردگی مادران و نمرات هوش هیجانی گروه شنوا (جدول ۳) نشان داد که رابطه معکوس بین نمرات افسردگی مادران و نمرات هوش هیجانی نوجوانان شنوا وجود دارد، یعنی با کاهش نمرات افسردگی مادران، نمرات هوش هیجانی فرزندانشان افزایش می‌یابد ($P < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین نمرات افسردگی مادران دانشآموزان ناشنوا از مادران دانشآموزان شنوا بیشتر بود و میانگین نمرات افسردگی مادران نیز به نوبه خود با میانگین نمرات هوش هیجانی فرزندان آنان رابطه داشت. نتایج این تحقیق همسو با نتایج تحقیق Phoennix و همکاران (۱۱) و Kushanagar (۱۲) است. Phoennix و همکاران اظهار داشتند که میزان افسردگی مادران افراد ناشنوا به مقدار قابل توجهی بالاست. در تحقیق حاضر نیز مادران نوجوانان ناشنوا میانگین نمرات افسردگی بیشتری نسبت به مادران نوجوانان شنوا نشان دادند. Phoennix و همکاران همچنین بیان کردند که مادران کودکان ناشنوا، مشکلات این کودکان را در مقایسه با کودکان شنوا بیشتر گزارش و مشکلات کودکانشان را بزرگ‌تر جلوه می‌دهند. این پژوهشگر همچنین بیان می‌کند که مادران این کودکان تعامل منفی با کودکانشان دارند. در حقیقت، هنگامی که پدر و مادر با پدیده معلولیت فرزندانشان مواجه می‌شوند به طور معمول پس از تحمل ضربه شدید

بررسی قرار گیرند.

سپاسگزاری

بدینوسیله از سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، کلیه دانشآموزان و معلمان محترم که در انجام این تحقیق، ما را یاری نمودند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

پاکتر و نهادی سالمتر از دیگران دارند. به همین دلیل، توانایی مثبت بودن و دیدن نیمه روشن زندگی را دارند و گفتار دیگران را سریع‌تر و با سادگی باور می‌نمایند (۱۳).

در این تحقیق به دلیل محدودیت در انتخاب گروه ناشناوا و به منظور برابر کردن تعداد شنوا با ناشناوا تعداد ۳۰ دانشآموز ناشناوا و ۳۰ دانشآموز شنوا انتخاب شدند که در تحقیقات آینده بهتر است گروه بیشتری مورد ارزیابی و

References

1. Rieffe C, Terwogt MM. Anger communication in deaf children. Cognitive and Emotion 2006; 20(8): 1261-73.
2. Afruz Gh. Counseling with the parents of exceptional children. Tehran: Parents-Teachers Association Pub; 2006. [In Persian].
3. Kakavand A. Psychology and education of special children. Tehran: Nashar Ravan, 2006. [In Persian].
4. Golman D. Emotional intelligence. New York: Bantam; 2001.
5. Akrami Y. Do you know what emotional intelligence is? Prosperity journal 2001; 38:26-29.
6. Beck AT, Rush AJ, Shaw BF, Emery G. Cognitive therapy of depression: a treatment manual. New York: Guilford; 1979.
7. Beck AT, Steer RA. Beck depression inventory manual. The Psychological Corporation. San Antonio: Harcourt Brace & Company; 1993.
8. Yaghubi Nasrabbadi M, Atefvahid MK, Ahmadzade Gh. The effect of group cognitive-behavior therapy on decreasing depression and anxiety of mood disorder patient. Journal of cognition and behavior 2003; 9(2): 56-64.
9. Ganji H. Personality evaluation. Tehran: Savalan; 2005. [In Persian].
10. Marani M. Standardization of Petridze and Farenham emotional intelligence questionnaire in university and high school students of Isfahan city. [MSc Thesis]. Isfahan: University of Isfahan; 2003. [In Persian].
11. Phoennix A, Woolett A, Lloyd E .Challenging Motherhood: Mothers and their Deaf Children. In: Gregory S, Sheldon L, Bishop J, Editors. Deaf young people and their families: Developing understanding. New York: Cambridge University Press; 1995.
12. Kushanagar P, Krull K, Hannay J, Coudle S, Oghalai J. Intelligence, parental depression and behavior adaptability in deaf children being considered for cochlear implantation. The Journal of Deaf Studies and Deaf Education 2007; 12(3): 335-49.
13. Pakzad M. Brawl in silent world. Tehran: Deaf and Mute Iran center; 1987. [In Persian].

Comparing correlation between mother's depression and their deaf and hearing adolescent daughter's emotional intelligence

Yazdkhasti F¹, Yarmohammadian A²

Abstract

Aim and Background: This research examined the relation between mother's depression score and the student's emotional intelligence score in deaf and hearing students.

Method and Materials: This was a descriptive-analytic study. The sample consisted of 30 deaf and 30 hearing three grade students from a junior high school and their mothers in Isfahan city. Students were administered Emotional Intelligence Questionnaire, and their mothers completed Beck depression questionnaire. Data was analyzed by SPSS software, using t independent test, and Pearson's correlation test.

Findings: T-test results between emotional intelligence of deaf and hearing students showed that, only in optimism factor there was significant difference between two groups. t test results between mother's depression score of two groups delineated that, there was significant difference between them. And mother's depression score of deaf students was more. Correlation results revealed that mother's depression score was correlated to emotional intelligence in two groups.

Conclusions: Results of this study showed that depression score of mothers is related to the student deafness while mothers' depression is related to emotional intelligence. Finally results demonstrated mother's depression score is related to decreased emotional intelligence of deaf students, while mother's undepression score is related to increased emotional intelligence of hearing students.

Keywords: adolescent, gender, deafness, depression, emotional intelligence.

Type of article: Short Communication

Received: 14.06.2009

Accepted: 14.12.2009

1. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: faribayazdkhasti@yahoo.com

2. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.